

۸۷, ۱, ۱.۵۹  
۸۷, ۷, ۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۹۲۰

دانشگاه قم  
دانشکده حقوق  
کارشناس ارشد  
حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

بررسی احکام تعدد قائل و مقتول

ارزواهند

دکتر عادل ساسانی

ارزواهند

دکتر علی امیرزاده

کاربند

لاهل و کالی

۱۹۲۰۵



۸۷/۱/۱۰۵۹۰  
۸۷/۱/۴

برگ

تاریخ: ۸۷/۳/۱۱  
شماره: ۱۱/۱۶۵  
پیوست:

« صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد »

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه الشریف»

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد خانم: لادن وکیلی رشته: حقوق جزا و جرم شناسی  
تحت عنوان: بررسی احکام تعدد قاتل و مقتول  
با حضور هیأت داوران در محل دانشگاه قم در تاریخ: ۸۷/۳/۸ تشکیل گردید.  
در این جلسه، پایان نامه با موفقیت مورد دفاع قرار گرفت و نامبرده نمره با عدد ۱۵ با  
حروف **بازده**  
با درجه: عالی  بسیار خوب  خوب  قابل قبول  دریافت نمود.

نام و نام خانوادگی	سمت	مرتبه علمی	امضاء
آقای عادل ساریفانی	استاد راهنما	استادیار	
آقای علی اشرف طهماسبی	استاد مشاور	مربی	
آقای ابوالفتح خالقی	استاد ناظر	استادیار	
آقای ممدقلیل صالحی	استاد ناظر	استادیار	
آقای مصطفی فضائی	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی	استادیار	

نشانی:  
قم، جاده قدیم اصفهان،  
دانشگاه قم  
کدپستی: ۳۷۱۶۱۴۶۶۱۱  
تلفن: ۲۸۵۳۳۱۱  
دورنویس:  
۲۸۵۵۶۸۴ معاونت آموزشی  
۲۸۵۵۶۸۶ معاونت اداری  
۲۸۵۵۶۸۸ معاونت دانشجویی

معاون آموزشی و پژوهشی دانشکده  
نام و امضاء:

تصدیر امور آموزش و تمصیبات تکمیلی  
نام و امضاء:

۱۰۹۲۰۵

کتابخانه و مراکز علمی پژوهشی  
مستند مدرک

تقدیم به:

روح پرفتنوح احیاگر اسلام، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام  
خمینی(ره) و مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای و ارواح پاک شهیدان انقلاب

اسلامی

## تقدیر و تشکر:

سپاس ایزد منان را که مرا عقل و دانش بخشید و خوشه‌چین ناقابل دریای بی‌کران معارف اهل بیتم قرار داد.

تشکر و سپاس از پدر و مادر مهربانی که با تحمل مشقات از خزان حوادث محافظتم نموده و در طول زندگانیم یاور و همراه بودند.

سپاس از استادان ارجمندم جناب حجةالسلام والمسلمین دکتر عادل ساریخانی استاد راهنمای محترم و آقای دکتر طهماسبی استاد مشاور محترم که از محضر وجودشان در نگارش این تحقیق بهره‌های زیادی بردم. طول عمر این دو بزرگوار را جهت خدمت افزون‌تر به دانشجویان و طالبان عالم از خداوند منان خواستارم.

سلام و صلوات به روح پاک شهیدانی که تلاش امروز ما، مدیون مجاهدتهای دیروز آنان است.

.....	چکیده:
۱	مقدمه
۲	طرح موضوع
۲	اهمیت موضوع
۳	پیشینه تحقیق
۳	هدف تحقیق
۴	مسئله اساسی تحقیق
۴	فرضیه‌های تحقیق:
۴	ترتیب مطالب
۶	فصل اول: کلیات
۷	مبحث اول: واژه‌شناسی و تعریف
۷	گفتار اول: واژه‌شناسی
۷	الف) مفهوم لغوی قتل:
۸	ب) مفهوم لغوی فوت
۹	ج) مفهوم لغوی موت
۹	د) مفهوم لغوی تعدد
۱۱	گفتار دوم: تعریف
۱۱	الف) تعدد قاتل
۱۲	ب) تعدد مقتول:
۱۲	گفتار سوم: انواع تعدد
۱۳	الف) یک نفر مباشر و یک نفر معاون
۱۳	ب) هر دو نفر مباشر
۱۳	ج) یکی مباشر و دیگری سبب جرم

۱۴	..... (د) هر دو نفر سبب باشند (اجتماع اسباب):
۱۴	..... گفتار چهارم: انواع قتل
۱۴	..... (الف) تعدد قاتل و قتل عمدی
۱۶	..... (ب) تعدد قاتل در قتل غیر عمدی
۱۹	..... مبحث دوم: تاریخچه جرم قتل
۱۹	..... گفتار اول: قتل قبل از اسلام
۲۱	..... (الف) قتل عمد در قوانین حمورابی:
۲۲	..... (ب) قتل در عهدین
۲۳	..... (ج) در نظامهای کهن
۲۵	..... (د) ایران باستان
۲۶	..... گفتار دوم: اسلام
۲۹	..... مبحث سوم: حالت‌های قتل
۲۹	..... گفتار اول: اجتماع دو یا چند مباشر در حالت واحده
۳۰	..... گفتار دوم: مباشرت جمع (شرکت در قتل) با تصمیم قبلی یا بدون آن در حالت واحده ..
۳۱	..... گفتار سوم: شرکت جمع در قتل بدون تمیز قاتل
۳۲	..... گفتار چهارم: اجتماع چند سبب
۳۵	..... مبحث چهارم: شرکت در جرم
۳۵	..... گفتار اول: ارکان شرکت در جرم
۳۶	..... گفتار دوم: انواع شرکت در جرم
۴۱	..... مبحث پنجم: اجتماع عوامل متعدد
۴۵	..... فصل دوم: انواع احکام جزایی تعدد قاتل و مقتول
۴۵	..... مبحث اول: تعدد قاتل و مقتول در قتل عمدی
۴۵	..... گفتار اول: قتل عمد واقعی

۴۶	گفتار دوم: قتل عمدی حکمی
۴۸	مبحث دوم: شبه عمد
۴۸	گفتار اول: شبه عمد واقعی
۵۰	گفتار دوم: شبه عمد حکمی (در حکم شبه عمد)
۵۲	مبحث سوم: قتل خطای محض
۵۲	گفتار اول: خطای محض واقعی
۵۳	گفتار دوم: خطای محض حکمی
۵۳	مبحث چهارم: نمونه‌هایی از شبه عمد و خطای محض
۵۴	مبحث پنجم: تعدد قاتل
۵۴	گفتار اول: تعدد قاتل از دیدگاه فقهی
۵۶	مبحث ششم: بررسی تعدد قاتل و وحدت مقتول
۵۶	گفتار اول: قتل عمدی
۶۹	گفتار دوم: قتل شبه عمد
۷۴	گفتار سوم: قتل خطای محض
۷۸	مبحث هفتم: تعدد مقتول و وحدت قاتل
۷۸	گفتار اول: قتل عمدی
۸۴	گفتار دوم: قتل شبه عمد
۸۴	گفتار سوم: قتل خطای محض
۸۵	مبحث هشتم: شرایط قصاص
۸۵	گفتار اول: تساوی در آزادی و بندگی
۸۶	گفتار دوم: تساوی در دین
۸۸	گفتار سوم: قاتل پدر مقتول نباشد
۸۸	گفتار چهارم: قاتل عاقل و بالغ باشد



- گفتار ششم: قاتل محقون الدم باشد ..... ۸۹
- مبحث نهم: چگونگی اثبات قتل ..... ۹۰
- مبحث دهم: منازعه در قتل ..... ۹۴
- مبحث یازدهم: تفاضل دیه ..... ۹۶
- نتیجه گیری ..... ۹۸

## چکیده:

در این پایان‌نامه تلاش شده است تا ابعاد مختلف و احکام و نظرات متفاوت در خصوص تعدد قاتل و تعدد مقتولین به عمل آید. نگارنده در این رساله ضمن تعیین فقهی و حقوقی احکام تعدد قاتلین و مقتولین به این نکات مهم پرداخته است که فقه امامیه و قانون مجازات اسلامی حکم قصاص را برای قاتلین عمدی منظور کرده است. برای جلوگیری از اسراف در قتل اولیای دم را ملزم به پرداخت دیه به قصاص‌شوندگان دانسته است در خصوص تعدد مقتولین مطابق قاعده فقهی الجانی لا یجنى اکثر نفسه تنها قصاص قاتل را مجاز شناخته است و دریافت دیه را نپذیرفته است هرچند در این خصوص نظرات فقهی مخالفی نیز به چشم می‌خورد. اما نظریه مشهور قاعده فقهی فوق را پذیرفته‌اند لذا شایسته است تا قانون مجازات اسلامی نیز اصلاحات لازمه را در خصوص احکام تعدد قاتلین و مقتولین به عمل آورد. در خصوص تعدد طرفین نگارنده به ابعاد مختلف موضوع پرداخته و ماده ۶۱۵ قانون مجازات اسلامی را مورد بررسی قرار داده است.

**کلیدواژه:** قاتل، مقتول، تعدد

## مقدمه

حمد و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است. خدایی که جهان هستی را در شش روز آفرید خدایی که انسان را خلق نمود و از روح خود در او دمید و او را اشرف مخلوقات و جانشین خود در زمین ساخت و او را مسجود و معبود قرار داد و بر مقام مخلوقاتش کرامت و برتری بخشید. خدایی که انسانها را منع نمود از جنگ و کشتار یکدیگر در زمین و فرمود کسی که مؤمنی را دانسته و خواسته بکشد، پس کیفر او دوزخ است که جاودان در آن است و خشم خدا بر اوست و بر او آماده می کنند عذابی بزرگ<sup>۱</sup> و همچنین نفس انسان را آنقدر حرمت نهاد که فرمود: «که هر کس کسی را بکشد بی قصاص تنی یا بی آنکه تبهکاری و فساد کرده باشد همچنان باشد که همه مردم را کشته و هر کس نفسی را زنده کند چنان است که همه مردم را زنده کرده است»<sup>۲</sup> و همچنین عمل قتل را آنقدر قبیح شمرده که فرموده است: «ای کسانی که ایمان آوردید همانا در قتل برای شما قصاص است»<sup>۳</sup> و خداوند نه تنها تعرض به نفوس را مجازات دنیوی قرار داد بلکه برای آن نیز عذاب اخروی وعده نمود و بی تفاوت ماندن افراد را نسبت به کشته شدن نفسی شرک قلمداد نمود. حال در مورد قتل که حکم آن قصاص تعیین شده اگر یک فرد دیگری را بکشد قصاص بر قاتل واجب است. حال اگر دو نفر یا بیشتر یک فرد را به قتل برسانند اینجا حکم قضیه چگونه می شود؟ آیا در صورتی که قاتلین متعدد بوده یعنی دو نفر یا بیشتر باشند در این صورت به خاطر کشتن یک نفر کشته خواهند شد. آیا با قصاص این افراد عدالت اجرا خواهد شد یا آنها به علت تعدد خونبهای مقتول را به اولیای دم او خواهند پرداخت یا اگر یک نفر چند نفر را به قتل برساند طبق قاعده «الجانی لایجنى اکثر من نفسه» با قاتل رفتار خواهد شد. یعنی اگر اولیای دم یکی از مقتولین قاتل را قصاص نماید در این صورت عدالت اجرا خواهد شد. پس حق بقیه اولیای دم چه خواهد شد. آیا با قصاص قاتل توسط اولیای یکی از مقتولین حق قصاص بقیه اولیای دم نیز ساقط می شود؟ اگر آنها دارای حق قصاصند پس چگونه می توانند قاتل را قصاص بنمایند؟ در این پایان نامه سعی بر این است که به بررسی احکام این دو فرضیه پرداخته شود و مسوولیت حاکمان در تعیین مجازات در صورت تعدد قاتل و وحدت مقتول و وحدت قاتل و تعدد مقتول ترسیم گردد.

۱- قرآن، سوره نساء، آیه ۹۵

۲- قرآن، سوره مائده، آیه ۳۲

۳- قرآن، سوره بقره، آیه ۱۷۸

## طرح موضوع

مسئله تعدد قاتل و مقتول یکی از مباحث جرائم علیه شخصیت افراد حقوق جزا و قانون مجازات اسلامی می‌باشد. این مساله دامنه بسیار گسترده‌ای دارد و مسأله بسیار پیچیده‌ای است. قانون مجازات اسلامی از ماده ۲۱۲ تا ۲۲۸ را به بحث شرکت در قتل یا تعدد قاتل اختصاص داده است. (با توجه به اینکه مجازات قتل عمد قصاص است) در مبحث عمده خود احکام قصاص را بیان نموده است و بیشترین توضیح خود را در باب تعدد قاتل یا شرکت در قتل در ماده ۲۱۲ بیان کرده و تا حدود زیادی تکلیف قضات را در مسأله شرکت در قتل مشخص ساخته ولی در باب تعدد مقتول در هیچ کجای قانون مجازات اسلامی و کتب حقوقی ما چیزی مشخصاً بیان نشده و فقط این مسأله را می‌توان در کتب فقهی مختلف یافت. آیا واقعاً در صورت مطرح شدن این قضیه می‌شود به کتب فقهی مراجعه نمود و رای را براساس آن صادر کرد. در این تحقیق سعی شده است تا با بررسی تمام انواع قتل و شرکت در قتل و تعدد مقتول در دسترس علاقمندان قرار گیرد. با توجه به اینکه در زمینه تعدد مقتول موادی در قانون مجازات اسلامی یافت نمی‌شود و در این زمینه زیاد بحث نشده است یا هنوز در این زمینه ماده‌ای به مرحله تبیین و قانونگذاری نرسیده است.

## اهمیت موضوع

شاید روزی نباشد که پرونده‌ای در زمینه قتل و قصاص در دادگاههای جزایی در سراسر کشور مطرح نشود. شاید روزی نباشد که قضات به انواع پرونده‌های قتل اعم از عمد، شبه عمد و خطای محض رسیدگی نمایند. با مراجعه به قانون مجازات اسلامی، آراء و وحدت رویه و نظرات اداره حقوقی می‌بینیم که قسمت عمده‌ای از آن را بحث قتل تشکیل می‌دهد و بسیار در دادگاهها قاتلینی دیده می‌شود که با کمک یکدیگر فردی را به انگیزه‌های مختلفی به قتل رساندند که قضات باید در مورد آنها حکم صادر کنند. حکم تعدد قاتل تا حدود زیادی در قانون مجازات اسلامی روشن است ولی در صورت تعدد مقتول مثلاً اگر یک نفر با بمبگذاری در یک مکان عمومی عده زیادی را به قتل برساند ماده صریحی در این زمینه وجود ندارد و این مبحث در حاله‌ای از ابهام قرار دارد که با توجه به قاعده «الجانی لایجنى اکثر علی نفسه» قضات چگونه باید حکم دهند تا حق تمام اولیای دم را در مورد قاتل رعایت کرده باشند؟ درک این مسأله کافی است تا نیاز به تحقیق جامعی احساس شود که به بررسی تمام این موارد پرداخته و صور مختلف این فرامین را واضح و روشن بنماید.

## پیشینه تحقیق

در زمینه این موضوع تاکنون تحقیق زیادی صورت نگرفته است. یا حداقل اینجانب موفق به یافتن آن نگردیده‌ام. البته اینجانب با بررسی کتابها و پایان‌نامه‌های مختلف پایان‌نامه‌های زیادی دیدم که به بررسی جرم قتل یا احکام قصاص در اسلام پرداخته‌اند و شاید به طور گذرا به مبحث شرکت در قتل یا تعدد قاتل نیز اشاره نموده‌اند، ولی پایان‌نامه‌ای که در این زمینه بخصوص تدوین شود وجود ندارد و بخصوص در زمینه تعدد مقتول که کسی به بررسی آن پرداخته و با اینکه در کتابهای مختلف به تعدد قاتل اشاره شده ولی در زمینه تعدد مقتول هیچ کتاب حقوقی خاصی در این زمینه وجود ندارد و فقط در کتب فقهی مختلف به تعدد مقتول نیز اشاره‌ای جزئی شده است.

## هدف تحقیق

اینجانب با انتخاب این موضوع با عنوان موضوع پایان‌نامه‌ام دو هدف عمده داشته‌ام که کاربرد آن را مشخص نمایم. نخست روشن شدن حکم این دو قضیه نزد قضات تا در صورت مراجعه و مطرح شدن پرونده‌های قتل در دادگاههای جزایی سراسر کشور با روشن شدن حکم آن راحت‌تر بتوانند قضاوت نمایند تا عدالت هرچه بهتر اجرا گردد. چه بسا افراد زیادی که با مشارکت با یکدیگر فردی را به قتل می‌رسانند و با مراجعه به قاضی و مطرح شدن پرونده در دادگاه همه آنها محکوم به قصاص می‌شوند بدون اینکه حق آنها در اخذ دیه از ولی دم مقتول مورد توجه قرار بگیرد و یا چه بسا صور مختلف قتل مانند تسبیب یا معاونت در قتل که به صورت غیرمستقیم یاری رساندن به قاتل در انجام این عمل است از مصادیق تعدد قاتل یا شرکت در قتل قرار می‌گیرد و طرفین به مجازات مباشر یعنی قصاص محکوم می‌گردند که شاید دلیل آن عدم آگاهی مقامات قضایی از تعریف شریک جرم و اینکه کسی که همراه مباشر مستقیماً در عملیات اجرایی شرکت می‌کند باشد یا در فرض دیگر اینکه وقتی یک شخص عده زیادی را به قتل می‌رساند و یا مثلاً با بمبگذاری در یک مکان باعث مرگ مرگ عده زیادی می‌شود در این صورت مقامات قضایی باید چگونه حکم نمایند تا عدالت رعایت گردد. پرواضح است که مجازات قاتل در اینجا قصاص است ولی وقتی یکی از اولیای دم به استیفای حق یعنی قصاص پردازد با توجه به اینکه قاتل اشخاص زیادی را از بین برده است ولی او بیشتر از یک نفس ندارد پس وقتی او در مقابل اولین مقتول قصاص شد در این صورت حق بقیه اولیای دم که خواهان قصاص هستند چه می‌شود؟ آیا دیه می‌گیرند یا حقشان منتفی می‌شود؟ با توجه به اینکه در این زمینه ماده شخصی در قانون مجازات اسلامی وجود ندارد لازم است که این مسأله در اینجا مطرح گردیده تا شاید ماده‌ای به

تعدد مقتول نیز اختصاص داده شود و هدف دوم به نظر اینجانب آشنایی بعضی از افراد ناآگاه به حقوق خود است. شاید افراد زیادی به جرم شرکت در قتل قصاص گردند در صورتیکه وقت معاون جرم بودند سبب جرم قتل گردیده‌اند یا افرادی که می‌بایست حق خود را بابت دیه از اولیای دم مقتول می‌گرفتند ولی در اثر عدم اطلاع بدون اخذ دیه قصاص شده‌اند.

### مسئله اساسی تحقیق

مسئله اساسی تحقیق اینجانب در دو محور قابل بحث می‌باشد: محور نخست اینکه شرکت در قتل یا تعدد قاتل به چه گفته می‌شود؟ اینکه شخص به طور مستقیم در عملیات اجرایی جرم دخالت داشته باشد یا معاونت در جرم یعنی کمک به صورت غیرمستقیم به مباشر را نیز می‌توانیم از مصادیق شرکت در قتل بدانیم؟ یا تفاوت شرکت در قتل با معاونت و تسبیب چه می‌باشد؟ آیا این‌ها با یکدیگر متفاوتند یا در یک زیرمجموعه می‌باشند.

محور دوم در زمینه تعدد مقتول است. تعدد مقتول به چه گفته می‌شود؟ آیا در تعدد مقتول باید مقتولین هم زمان با هم کشته شوند یا اگر با فاصله کشته شوند نیز شامل تعدد مقتول می‌شود و همچنین حق اولیای دم در زمینه تعدد قاتل و مقتول در اجرای قصاص، پرداخت یا اخذ دیه و عفو از موارد دیگر قابل بررسی در این تحقیق است.

### فرضیه‌های تحقیق:

فرضیه‌های این تحقیق عبارت از موارد آتی است که قابل تغییر نیز می‌باشد.

۱) شرکت در قتل یعنی اینکه شریک یا مباشر در انجام عملیات مادی جرم قتل مستقیماً دخالت داشته باشند.

۲) در تعدد مقتول اگر یک نفر چند نفر را به قتل برساند در قتل عمد نفر اول قصاص می‌شود و بقیه به اندازه سهمشان دیه می‌گیرند.

### ترتیب مطالب

مطالب این تحقیق در دو فصل و ۲ مبحث بیان شده. فصل اول با عنوان کلیات، واژه‌شناسی، تعریف و پیشینه در ۵ مبحث به واژه‌شناسی، تعدد قاتل در انواع مختلف قتل، تاریخچه قتل، حالت‌های مختلف قتل، شرکت در قتل، اجتماع عوامل متعدد اختصاص دارد و فصل دوم در شش

مبحث شامل انواع تعدد قاتل و مقتول، تعدد قاتل از دیدگاه فقهی احکام جزایی تعدد قاتل و مقتول، شرایط قصاص، چگونگی اثبات قصاص و منازعه و تفاضله دیه پرداخته است.

# فصل اول

## کلیات

(واژه‌شناسی، تعریف، پیشینه، حالت‌های مختلف قتل شرکت در  
جرم و اجتماع عوامل متعدد)



## مبحث اول: واژه‌شناسی و تعریف

یکی از مطالب مهم هر تحقیق و پژوهش یافتن معنی دقیق کلمات و واژه‌های آن و ارائه تعریف دقیق از آن است. زیرا بدون شناخت، تعریف و تایین حدود و ثغور و مرز موضوع بحث از آن کاری بسیار دشوار است. به ویژه در حقوق کیفری که سخن از مجازات یا عدم مجازات شخصی است. بنابراین ارائه معانی موضوع این پایان‌نامه و تعریف دقیق آن از مطالب مهم می‌باشد که در ذیل به طور مختصر و فشرده ارائه می‌گردد.

## گفتار اول: واژه‌شناسی

### الف) مفهوم لغوی قتل:

با مراجعه به فرهنگ‌های مختلف می‌توان مفهوم دقیق این کلمه را یافت. در لغت قتل به معنی کشتن و اسم مصدر آن کشتار آمده است.<sup>۱</sup> و فرهنگ دیگری آن را بیشتر به معنی کشتن انسان بیان نموده است<sup>۲</sup> در فرهنگ دیگر اینگونه یافته شد که خود قتل بیان نگردیده است بلکه قتلی به فتح اول و سکون ثانی و در آخر الف قصور، به معنی مقتولان بیان کرده و جمع آن را قتیل ذکر نموده است.<sup>۳</sup> و در جای دیگر علاوه بر اینکه قتل را به معنی کشتن به کار برده برای آن مثالی آورده که ذکر آن جالب می‌باشد که این مثال به این قرار است: «به قتل من چون مرگ می‌لرزد خنجرها»<sup>۴</sup>.

۱- محمد معین، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۹، سال ۱۳۸۱، ص ۲۶۳۹.

حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات فرهنگی معاصر، چاپ سی، سال ۱۳۸۳، ص ۱۷۵۰.

فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات مشمع، چاپ اول، سال ۱۳۸۴، ص ۸۵۰.

۲- غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی، نسترن حکمی، فرهنگ گزیده فارسی، تهران، انتشارات دیبا، چاپ اول سال ۱۳۸۳، ص ۷۴۶.

۳- قیاس الدین محمد بن جلال الدین شرف الدین راستاپوری، فرهنگ غیاث اللغات، جلد ۱.

۴- محمدخان شکوری، ولادمیر کاپارنوف، رحیم هاشم، ناصر جان معصومی، برگردان و تصحیحات محسن شجاعی، فرهنگ فارسی تاجیکی جلد دوم، تهران، انتشارات فرهنگی معاصر، چاپ سوم، سال ۱۳۸۵، ص ۱۷۵۰.

با مراجعه به فرهنگهای مختلف عربی نیز تعریف‌های مختلفی از قتل ارائه شده مثلاً در یک فرهنگ تعریفی از قتل ارائه نکرده بلکه چند مورد از انواع آن را معنی نموده همانند قتل عام = مجرزه - قتل عمد (با قصد قبلی) = قتل مع سبق الاحرار - قتل غیر عمد = قتل خطا و در جای دیگر نیز قتل را به همان معنی به کار برده و انواع آن را شرح داده که به دلیل ذکر آن از توضیح مجدد آن خودداری می‌شود. و در جای دیگر قتل را به این صورت بیان کرده است که معنی آن افراد بسیاری را کشت و کشتار کرده دانسته شده است.<sup>۱-۲</sup> و در جای دیگر نیز قتل، قتال و حرب به یک معنی آورده شده است.<sup>۳</sup> و فرهنگ دیگر نیز قتل را به معنی کشتن دانسته و القتل العمد را قتل عمد و القتل الخطا را قتل خطا معنی کرده است.<sup>۴</sup>

### (ب) مفهوم لغوی فوت

در یک فرهنگ مصدر فوت را به معنی درگذشتن، از بین رفتن، از دست رفتن و غائب شدن آورده است.<sup>۵</sup> و در فرهنگهای دیگر فوت را به معنی درگذشتن، مردن، مرگ و وفات آورده است و مثالی که در این زمینه ذکر کرده این است که خبر فوت او را پیش از قتلش به ایران بردند و همچنین مثال دیگری که ذکر نموده است فوت وقت است.<sup>۶</sup> با مراجعه به فرهنگ دیگر فوت را به معنی شکاف میان دو انگشت و نیز به معنی مردن و مطلق رفتن و گذشتن مجازات چون فوت وقت، فوت کار، مرگ، درگذشتن وفات است.<sup>۷</sup> و در کتاب دیگر داریم فوت به الفتح درگذشتن اجوف است و تاء اصلی است اگرچه لفظ مصدر است ولیکن در عرف مردم فائت استعمال می‌شود.<sup>۸</sup> و در جای دیگری فوت را به معنی مات و فوت شدن و درگذشتن تعریف کرده است.<sup>۹</sup> با مراجعه به فرهنگ دیگری فوت را به معنی فوت، وفات به کار برده و نمونه‌هایی از آن را ذکر کرده که به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم: فوت شد = فنی - مات - فوت کرد = مات رجل به

۱- محمدحسن بوذرجمهر، فرهنگ فارسی عربی، تهران، انتشارات نوفل، چاپ سال ۱۳۸۰، ص ۶۱۹.

۲- ناصرعلی عبدالله، معجم البسیط، دانشگاه علوم رضوی مشهد، سال ۱۳۷۷، ص ۸۰.

۳- دکتر عبدالعظیم محمدحسین، قاموس الفارسیة، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم، ۴۰۸ هجری قمری، ص ۷۰۰.

۴- منجدالطلاب، فرهنگ جدید فارسی عربی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۰، ص ۶۵۰.

۵- محمد معین، فرهنگ فارسی، چاپ ۱۹، سال ۱۳۸۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، ص ۲۵۸۳.

۶- محمدخان شکوری، ویلادمیر کاپرانوف، رحیم هاشم، ناصرخان مصومی، برگردان و تصحیحات محسن شجاعی، فرهنگ فارسی

تاجیکی، تهران، انتشارات فرهنگی معاصر، جلد دوم، چاپ سوم، سال ۱۳۸۵، ص ۱۳۳۳.

حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سی، سال ۱۳۸۳، ص ۵۸۰.

غلامحسین، صدری افشار، نسرین حکمی، نسترن حکمی، فرهنگ گزیده فارسی، تهران، انتشارات دیبا، چاپ اول، سال ۱۳۸۳، ص ۶۵۶.

۷- محمد معین، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات مشجع، چاپ اول، سال ۱۳۸۴، ص ۷۳۰.

۸- قیاس الدین محمد بن جلال الدین شرف الدین راست پوری، فرهنگ قیاس اللغات، جلد دوم، ص ۴۳.

۹- دکتر سید محمد طبیبیان، فرهنگ فروزان، ص ۶۰۰.

دکتر محمد غفرانی، دکتر مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران، انتشارات نوفل، چاپ سال ۱۳۸۰، ص ۵۲۰.

القوت - فوت طبیعی = فوت طبیعی - فوت آنی = موت سریع - موت زوام - فوت ناگهانی = موت فجائی<sup>۱</sup>. در فرهنگ دیگر نیز فوت به معنی درگذشتن، الموت، الفناء، الانعدام به کار می‌رود.<sup>۲</sup>

### ج) مفهوم لغوی موت

موت در کتب لغوی معاصر به معنی مرگ، فوت بیان شده و سعی داشته شده که از آن مثالی آورده شود به عنوان مثال در ثبت فوائد حکم سعی بلغی می‌نماید تا اصحاب صفت بعد از موت او مرتفع شود یا بیچاره رو به موت بود.<sup>۳</sup>

و در فرهنگ دیگر برای خود موت کلمه‌ای وجود ندارد بلکه موت احمر به معنی موت سخت به کار برده شده است ولی به طور کلی موت به معنی از بین رفتن یا فوت شدن و... به کار می‌رود.<sup>۴</sup> و در فرهنگ دیگر برای موت نعتی به کار نبرده بلکه سه مورد از انواع آن را ذکر نموده است:

موت عضو = اما به جسد، موت کاذب = نوام - سباب، موت موصفی = موات آلال<sup>۵</sup> و در جای دیگری تنها به موردی که اشاره کرده موت به معنی الشخص الذی ینزل الحیوط الرفیعة می‌باشد.<sup>۶</sup>

### د) مفهوم لغوی تعدد

در برخی کتب لغوی به معنی افزونی در عدد، بسیار شوی به شماره کلان است و مثالی که در کلیله و دمنه آورده است عبارت است از تعدد مراد و إدراک سعادت نسبت بر پشت‌اند.<sup>۷</sup> و در فرهنگ دیگر می‌بینیم که برای این واژه معنایی در نظر گرفته نشده بلکه مصدر لازم آن بسیار شدن

۱- محمدحسن بوذرجمهر، فرهنگ فارسی عربی، تهران، انتشارات نوفل، چاپ سال ۱۳۸۰، ص ۵۲۰.

۲- ناصر علی عبدالله، معجم البسیط، دانشگاه علوم رضوی مشهد، سال ۱۳۷۷.

دکتر عبدالعظیم محمد حسنین، قاموس الفارسیه، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۰۸ هـ. ق، ص ۹۱۰.

۳- محمدخان شکوری، ولادمیر کاپرانوف، رحیم هاشم، ناصرجان معصومی، برگردان و تصحیحات محسن شجاعی، فرهنگ فارسی تاجیکی، تهران، انتشارات فرهنگی معاصر، جلد دوم، چاپ سوم، سال ۱۳۸۵، ص ۱۷۶۶.

محمد معین، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۹، سال ۱۳۸۱، ص ۱۲۰۰.

غلامحسین صدزی افشار، نسرین حکمی، نسترن حکمی، فرهنگ گزیده فارسی، تهران، انتشارات دیبا، چاپ اول، سال ۱۳۸۱.

۴- علی اصغر شمیم، فرهنگ شمیم، تهران، انتشارات طلوع آزادی، چاپ دوم، سال ۱۳۷۹، جلد دوم، ص ۱۱۰۰.

۵- فرهنگ فروزان، سید حمید طبیبان، تهران، ص ۱۲۵۰.

۶- دکتر عبدالعظیم، محمد حسنین، قاموس الفارسیه، قم، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۰۸ هـ. ق، ص ۱۱۰۰.

۷- محمدخان شکوری، ولادمیر کاپرانوف، رحیم هاشم، ناصرجان معصومی، برگردان و تصحیحات محسن شجاعی، فرهنگ فارسی تاجیک، تهران، انتشارات فرهنگی معاصر، چاپ سوم، سال ۱۳۸۴، جلد اول، ص ۴۹۵.

زیاد شدن و اسم مصدر آن افزونی و فراوان است و در جای دیگر نیز مصدر آن (ت ع د) می‌باشد و به معنی کبیره و کثرت هم به کار می‌رود.<sup>۱</sup> و در جای دیگری آن را به معنی وضع و کیفیت متعدد بودن بیان نموده است.<sup>۲</sup> و در فرهنگ دیگر به معنی افزودن شماره‌ها می‌باشد و در جای دیگر تعدد را به معنی زاد فی العدد که معنی آن را شمار آن فزونی یافت بیان کرده است.<sup>۳</sup>

- 
- ۱- محمد معین، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۹، سال ۱۳۸۱، ص ۵۹۸.
  - ۲- حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سی، سال ۱۳۸۳، ص ۴۰۲.
  - محمد معین، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات مشجع، چاپ اول، سال ۱۳۸۴، ص ۷۳۰.
  - محمدحسن بوذرجمهر، فرهنگ فارسی عربی، تهران، انتشارات نوفل، چاپ ۱۳۸۰، ص ۴۲۰.
  - ۳- علی اصغر شمیم، فرهنگ شمیم، جلد دوم، تهران، انتشارات طلوع آزادی، چاپ دوم، سال ۱۳۷۹، ص ۳۴۰.
  - جبران سعود، ترجمه عبدالستار قمری، انتشارات یادواره کتاب، چاپ دوم سال ۱۳۸۲، ص ۲۰۳.